





# درس خارج فقه

استاد گرانقدر

آیت الله حاج شیخ محمد قاینی

سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱

قم - پژوهشکده حج و زیارت ، گروه فقه و حقوق

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

## بسم الله الرحمن الرحيم

أحمدلله و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

و لعنة الله على أعدائهم إلى يوم الدين....

## جلسه دهم و یازدهم: ادامه بحث اجزاء نماز با مخالف

### (تعلیم کیفیت نماز خواندن با مخالفین)

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

أحمدلله و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

و لعنة الله على أعدائهم إلى يوم الدين....

#### مباحث جلسه گذشته:

بحث در صحت نماز با مخالف در جایی که مکلف مضطر به اخلاص به برخی از وظایف فرادا مثل اصل قرائت، یا جهر به آن بود؛ بحث شد که مقتضای قاعده عدم اجزاء است بخاطر اطلاق ادله‌ی اجزاء و شرایط که اقتضا می‌کند عدم اختصاص جزئیت و شرطیت به حال اختیار را، ضمن اینکه در ما نحن فیه هم بحث در تقیه اضطراری بالخصوص نیست چرا که نماز با مخالف ممکن است در شرایط غیر تقیه‌ی اضطراری باشد که معمولاً مفروض همین است که شیعه با امام مخالف نماز بخواند، در حالی که تمکن از انجام وظیفه‌ی نماز خودش به غیر جماعت با مخالف داشته باشد، یعنی اینکه می‌تواند در منزلش نماز بخواند، ولی اگر بخواهد با امام جماعت مخالف نماز بخواند، متمکن از أداء وظیفه‌ی منفرد نیست چون نماز جهریه است و تمکن از جهر در نماز خود را ندارد. یا حتی در نماز اخفاتیه تمکن از قرائت صحیح ندارد چون قرائت صحیح در حال اختیار مشروط به إسماع نفس است، باید به گونه‌ای باشد که خودش بشنود ولو اخفاتیاً، و چنانچه نماز با مخالف اقتضا کند، ترك قرائت به این مقدار را و اینکه نهایت، قرائت میسر برای او مثل حدیث نفس یا همهمه یا مثل لب خوانی بدون جوهر صوت

اگر باشد؛ آیا اینگونه نماز با مخالف مُجزی است یا نه؟ نسبت به این مسأله قبلاً گذشت که ممکن است استدلال شود بر صحت و اجزاء نماز با این شرایط، به اتصالات نصوصی که در آن امر به حضور به نماز با مخالف شده است، که ظاهر این روایات همان نمازی را می گوید که اگر فرض شد ملازم با إخلال به جهر به قرائت است، گفتیم حداقل إطلاق مقامی این نصوص (که در آن امر به اعاده و تکرار نماز نشده است) اقتضا می کند کفایت این نماز را؛ در هیچ روایتی امر به اعاده نشده است در حالی که معرضیت دارد در این موارد فهم عدم وجوب اعاده کأنه أئمه عليهم السلام اکتفا کرده اند به همین و ایابی از فهم مکلف نسبت به جواز اکتفای به این عمل نداشته اند. همچنین إطلاق لفظی هم در این روایات بعید نیست، چرا که صرف امر به نماز با مخالف اگر بود گفته می شد این یک مطلوبیت نفسی دارد و منافات ندارد با اینکه مکلف نسبت به وظیفه‌ی نماز فریضه و یومیه اش تکلیف دیگری داشته باشد. مقتضای اتصالات أدله فرائض یومیه؛ و لکن ظاهر این روایات مأمور به فعل فریضه با مخالف است نه اینکه فعل نماز با مخالف بدون هیچ عنوانی.

ظاهر روایات این است نمازی که وظیفه‌ی یومیه است آن را با جماعت مخالف بخوانید. لذا گفتیم إطلاق لفظی این روایات (نه فقط إطلاق مقامی) نسبت به کفایت، بعید نیست؛ این بحث مفصلاً گذشت. وجه دیگری که برای اجزاء و صحت نماز با مخالف در فرض اضطرار به وظائف منفرد ممکن است استدلال شود، عده‌ای از روایات و طوائفی از روایات است که به مضامین مختلف آمده است که درصدد بیان کیفیت نماز با مخالف است و اینکه مکلف در نماز همراه با امام جماعت مخالف چه کاری انجام دهد و به چه کیفیت همراهی کند؟ در بعضی از آن‌ها آمده است که شما قرائت خود را بخوانید ولو اینکه در حدی باشد که خودتان هم نشنوید؛ ظاهر روایات این است که با این کیفیت وظیفه‌ی یومیه و فریضه‌ی وقتی خود را انجام می دهید، و در خروج از عهده کأنه لسان این روایات حکومت دارد بر أدله‌ی اجزا و شرایط و اینکه آن قرائت مأمور به برای کسی که همراه با مخالف هست، به این کیفیت است. یعنی بر ادله‌ی جهر به قرائت نظارت دارد و می خواهد بگوید که این کیفیت از نماز جایگزین وظیفه‌ی اصلی شما خواهد بود، یا اینکه اگر امام جماعت قبل از شما به رکوع رفت وظیفه‌ی شما نسبت به تکمیل قرائت چیست؟ یا اینکه اگر مکلف قبل از امام فارغ از قرائت شد، چه کاری باید انجام دهد؟ که تمام این بیان تعلیم کیفیت نماز با مخالف حاکی از این است که درصدد بیان کیفیت انجام وظیفه‌ی یومیه همراه با مخالف است، علاوه بر اینکه در برخی از این روایات تصریح به کفایت قرائت امام مخالف، در نماز جهریه نسبت به مأموم شده است.

#### مباحث جلسه امروز:

خوب ما در حال بررسی طوائف این روایات بودیم که از جمله‌ی طوائف این روایات نصوصی بود که مربوط به امر به قرائت خلف مخالفین بود ولو به حدیث نفس که در روایات علی بن یقطین باب ۳۳ حدیث ۱ آمده بود.

عَلِيٌّ بْنُ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي خَلْفَ مَنْ لَا يُقْتَدِي بِصَلَاتِهِ وَالْإِمَامُ يُجَهِّرُ بِالْقِرَاءَةِ؟ قَالَ: «إِقْرَأْ لِنَفْسِكَ وَإِنْ لَمْ تُسْمِعْ نَفْسَكَ فَلَا بَأْسَ».<sup>۱</sup>

و در معتبره‌ی ابن اذینه از علی بن سعید بصری از فضیل بن یسار که حدیث ۷ همین باب ۳۳ است، روایت از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است:

... وَ سَمِعْتُ أَبَاهُ يَقُولَانِ: «لَا تَعْتَدَّ بِالصَّلَاةِ خَلْفَ النَّاصِيَةِ وَ اقْرَأْ لِنَفْسِكَ كَأَنَّكَ وَحْدَكَ».<sup>۲</sup>

و در معتبره حلبی از امام صادق علیه السلام که حدیث ۹ همین باب است آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ لَا يُقْتَدِي بِهِ فَاقْرَأْ خَلْفَهُ سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ أَوْ لَمْ تَسْمَعْ».<sup>۳</sup>

ظاهر این روایات ولو به اطلاق مقامی، اجزاء و کفایت این کیفیت از نماز نسبت به نماز مفروضه است.

در معتبره محمد بن ابی حمزه ثمالی که حدیث ۴ همین باب است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «يُجْزِيكَ إِذَا كُنْتَ مَعَهُمْ مِنَ الْقِرَاءَةِ مِثْلَ حَدِيثِ النَّفْسِ».<sup>۴</sup>

کفایت می‌کند نسبت به وظیفه‌ی قرائتی مثل حدیث نفس عمل کنی.

ظاهر روایات این است که قرائت حتماً باید باشد منتها کیفیت قرائت از إسماع نفس یا جهر، إخلال به آن محذوری ندارد. این‌ها امر است و امر ظهور در وجوب دارد، ولی در مقابل این طائفه، طائفه‌ی دیگری است که در جلسه‌ی قبل هم اشاره شد که مضمون طائفه‌ی دوم این است که ترك قرائت برای مأموم در فرض همراهی با امام مخالفی که جهر در قرائت دارد، مُخَلَّب به نماز نیست و اجزاء دارد و کفایت قرائت امام برای مأموم می‌کند، که در باب ۳۴ از همین ابواب نماز جماعت حدیث ۵ این باب اینگونه آمده است.

روایت معتبر است. شیخ به سند معتبر عبدالله بن بکیر عن زارة عن ابی جعفر علیه السلام نقل کرده است و این

روایت از کتاب سعد است تا منتهی شود به ابن بکیر و زرارة.

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ تُصَلِّيَ خَلْفَ النَّاصِبِ وَلَا تَقْرَأَ خَلْفَهُ فِيمَا يُجَهِّرُ فِيهِ، فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ يُجْزِيكَ إِذَا سَمِعْتَهَا».<sup>۵</sup>

حالا و لَا تَقْرَأَ خَلْفَهُ. یا به معنای حال است و جمله خبریه می‌شود یا به معنای انشای نهی است در مقام

توهم و وجوب قرائت که مفاد این نهی ترخیص در ترك است.

۱. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۳ ح ۱.
۲. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۱۰ ح ۴.
۳. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۶ ح ۹.
۴. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۴ ح ۴.
۵. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۹ ح ۵.

فرمود: «فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ يُجْزِيكَ إِذَا سَمِعْتَهَا...».

مرحوم صاحب وسائل<sup>علیه السلام</sup> فرموده که مرحوم شیخ<sup>علیه السلام</sup> این روایت را حمل بر تقیه کرده یا حمل کرده بر ترك جهر در قرائت، نه ترك اصل قرائت.

خوب این خیلی خلاف ظاهر است. «لَا تَقْرَأُ خَلْفَهُ» منظور این باشد که جهر در قرائت نداشته باشد، بلکه ظاهرش این است که نیازی به قرائت نیست نه جهرأ و نه غیر آن؛ کما اینکه حمل این روایت بر تقیه هم خلاف اصل است که بگوئیم منظور از نهی از قرائت بخاطر تقیه‌ی امام<sup>علیه السلام</sup> بوده است. نه اینکه شرایط تقیه اقتضا کند عدم قرائت را. در واقع روایت را حمل بر تقیه کرده است نه بر وظیفه‌ی در حال تقیه؛ خوب اینگونه جمع وقتی جا دارد که بین این روایت و طائفه‌ی دیگر که امر به قرائت کرده، جمع عرفی وجود نداشته باشد، در حالی که جمع عرفی به حمل امر بر استحباب است. نهایت در آن روایات قبل که فرموده: «إِقْرَأْ لِنَفْسِكَ»، در مثل روایت ابن یقطين، این روایت می‌گوید: «لَا تَجِبُ الْقِرَاءَةُ». حال چه روایت نهی باشد که در مقام توهم وجوب به معنای ترخیص به ترك است یا اصلاً جمله حالیه باشد که معنا این می‌شود، نماز بدون قرائت اشکالی ندارد در واقع می‌شود: صلوات بدون قرائت، و در حال عدم قرائت؛ تعلیل هم شده است که «فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ يُجْزِيكَ...»، که این ترخیص در ترك قرائت داده شده است، لامحاله امر که ظهور در وجوب قرائت داشت، باید حمل بر استحباب شود. نوبت به حمل بر تقیه یا ارتکاب خلاف ظاهر به حمل ترك قرائت بر ترك جهر در قرائت نمی‌رسد.

نظیر این روایت باز که می‌شود گفت دلالت بر اجزاء و عدم وجوب قرائت دارد، روایت ۲ باب ۳۴ است که صحیح‌ه‌ی معاویه بن وهب است. ظاهر روایت عدم وجوب قرائت بر مأموم بر فرض مخالف بودن امام است که همان جریان ابن کواء و امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>عَلَيْهِ السَّلَامُ</sup> قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَوْمَ الْقَوْمِ، وَأَنْتَ لَا تَرْضَى بِهِ. يَعْنِي إِمَامَ جَمَاعَةٍ بُوَدْنَ أَوْ مَوْرَدٌ قَبُولِ شِمَا نَيْسْت. فِي صَلَاةٍ تُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ، فَقَالَ: «إِذَا سَمِعْتَ كِتَابَ اللَّهِ يُتْلَى فَأَنْصِتْ لَهُ». حَضْرَتِ <sup>عَلَيْهِ السَّلَامُ</sup> فرمود: در حال قرائت او سکوت کن و خودت قرائت نداشته باش. فَقُلْتُ: فَإِنَّهُ يَشْهَدُ عَلَيَّ بِالشَّرْكِ. إِمَامِي وَشِيعَتِي رَا مُشْرِكٌ مِي دَانْد. فَقَالَ <sup>عَلَيْهِ السَّلَامُ</sup>: «إِنْ عَصَى اللَّهُ فَاطِعِ اللَّهُ». اِگْر اَوْ گْنَاه كَار اِسْت تُو اَطَاعْت خِدا كُن و اِشَارَه بَه آيَه:

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾. ٦ دارد. فَرَدَدْتُ عَلَيْهِ. خِلَاصَه مَعَاوِيَه بِن وَهْب حَرْفِ خُود رَا دُوبَارَه تَكَرَّار كَرْد، شَايِد بَه دِنْبَال اِسْتِجَازَه اَز حَضْرَت بُوْدَه اِسْتِ دَر مَوْرَدِ وَظِيْفَه‌ي قِرَائَتِي خُودَش كِه دَر رِوَايَتِ اَمْدَه: فَأَبَى أَنْ يُرَخَّصَ لِي. حَضْرَتِ <sup>عَلَيْهِ السَّلَامُ</sup> بَه خُوانْدِن قِرَائَتِ تُوَسْطِ خُودِم اِجَازَه نَدَاد. فَقُلْتُ لَهُ: أَصْلِي إِذَنْ فِي بَيْتِي ثُمَّ أَخْرَجَ إِلَيْهِ. بَاز پَرَسِيْد كِه نَمِي رُوم هَمْرَاه اَيْنَان نَمَاز بَخُوانِم و دَر مَنزَل مِي خُوانِم و بَعْداً

٦. سورة الأعراف: ٢٠٤.

می‌روم تا همراهی با اینان کنم. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنْتَ وَذَلِكَ». حضرت فرمود: اشکالی ندارد ولی اگر با آنان نماز می‌خوانی، (که ظهور روایت در نماز فریضه است) کیفیتش این است. ولی اگر خواستی نماز را در خانه بخوانی و بعد با آنان بخوانی اشکالی ندارد، و کآنه می‌توانی در خانه نخوانی و بروی همراه آنان این کیفیت بخوانی؛ و بعد حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ استشهد کردند به قضیه أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ و ابن کواء.<sup>۷</sup>

نظیر این دو روایت در دلالت بر اجزاء قرائت و عدم وجوب قرائت، معتبره بکیر بن اعین است که روایت ۳ این باب می‌باشد. قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّاصِبِ يَوْمُنَا، امام جماعت ناصبی است، مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ مَعَهُ؟ کیفیت نماز با او چیست؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَمَّا إِذَا جَهَرَ فَأَنْصِتْ لِلْقِرَاءَةِ وَاسْمَعْ، ثُمَّ ارْكَعْ وَاسْجُدْ أَنْتَ لِنَفْسِكَ». <sup>۸</sup> قرائت را گوش بده و بشنو، انصات و سکوت به قرائت او داشته باش، مثل نماز خلف امام عدل رفتار کن. این هم بعید نیست مثل دو روایت قبلی باشد.

به هر حال روایت اولی از این سه روایات که الآن ذکر کردیم در دلالت بر اجزاء قرائت امام مخالف و عدم وجوب قرائت بر مأوم که معتبره‌ی زراره بود، روشن‌ترین این روایات در دلالت بر این مطلب بود، و لذا قاعدتاً این روایاتی هم که امر به قرائت شده است باید حمل بر استحباب شود لامحاله.

خوب این دو طائفه از روایات که از هر یک از این دو طائفه اجزاء نماز با مخالف با فرض إخلال به وظیفه‌ی فرادا استفاده می‌شود؛ چه خود فرد قرائت را بدون إجهار یا إسماع نفس بخواند یا نخواند که بحث دیگری بود، جدای از این هر دو طائفه دلالت می‌کند بر اینکه نماز با إخلال به وظیفه‌ی فرادا به مثل جهر بلکه طائفه‌ی دوم می‌گوید با إخلال به اصل قرائت، نماز مجزی است و کفایت می‌کند و لازم نیست مکلف نمازش را إعادہ و استیناف نماید.

تا اینجا دو طائفه از روایات که مربوط می‌شود به تعلیم کیفیت نماز با مخالف و ظهور آن‌ها در اجزاء نماز با این کیفیت است.

طائفه‌ی دیگر در کیفیت نماز با مخالف، برخی روایاتی است که متضمن در ترخیص قطع قرائت است چنانچه امام جماعت زودتر به رکوع برود قبل از اینکه مأوم قرائت خودش را که مستحب است یا حتی بر فرضی که واجب باشد، قبل از آن که مأوم قرائت را به اتمام برساند امام به رکوع رفت، از برخی از این روایات استفاده می‌شود که مأوم قرائت را قطع کند و همراه با امام به رکوع برود. در معتبره‌ی ابی‌بصیر این مضمون آمده است، روایت اول باب ۳۴.

۷. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۷ ح ۲.

۸. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۸ ح ۳.



مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ يَعْنِي لَيْثَ الْمَرَادِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَا أَقْتَدِي بِهِ فِي الصَّلَاةِ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أُفْرَغُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ، فَإِنَّكَ فِي حِصَارٍ فَإِنْ فَرَّغَ قَبْلَكَ فَاقْطَعْ الْقِرَاءَةَ وَارْكَعْ مَعَهُ».<sup>۹</sup>

قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مَنْ لَا أَقْتَدِي بِهِ فِي الصَّلَاةِ ... یعنی کسی که همراه او نماز می خوانم ولی به او اقتدا نمی کنم یعنی جایی که جماعت منعقد نمی شود، مثل نماز با مخالف، سؤال از چگونگی همراهی با نماز است. قَالَ: «أُفْرَغُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ». تو قرائت خودت را قبل از آن که امام جماعت فارغ از قرائت شود تمام کن تا به محذور برخورد نکنی. «فَإِنَّكَ فِي حِصَارٍ» تو آزاد نیستی هر مقدار قرائت را طولانی کنی، تو محدود هستی به رکوع امام. «فَإِنْ فَرَّغَ قَبْلَكَ» اگر امام جماعت قبل از اینکه تو در قرائت هستی به رکوع رفت. «فَاقْطَعْ الْقِرَاءَةَ وَارْكَعْ مَعَهُ»، قرائت را قطع نما و همراه او رکوع برو.

خوب ظاهر روایت این است که این نمازی که همراه او می خوانی و نماز یومیهات هست، اگر نتوانی قرائت خود را همراه با او تکمیل کنی اشکال ندارد، برو به رکوع و همراهی با او بنما. در روایت ۶ همین باب که روایت صدوق در علل است که سند خوبی دارد، چنین آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ (عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ) عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ دُخُولِي مَعَ مَنْ أَقْرَأَ خَلْفَهُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ، فَيَرْكَعُ عِنْدَ فَرَاغِهِ مِنْ قِرَاءَةِ أُمَّ الْكِتَابِ. فَقَالَ: «تَقْرَأُ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ لِكَيْ تَكُونَ قَدْ قَرَأْتَ فِي رَكْعَتَيْنِ».<sup>۱۰</sup>

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ دُخُولِي مَعَ مَنْ أَقْرَأَ خَلْفَهُ ... همراهی می کنم در نماز با امامی که نمی توان به قرائت او اکتفا کرد، امام جماعت عدل نیست. فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ در رکعت دوم به چنین نماز جماعتی پیوستم. فَيَرْكَعُ این امام جماعت به رکوع می رود. عِنْدَ فَرَاغِهِ مِنْ قِرَاءَةِ أُمَّ الْكِتَابِ از حمد که فارغ شد به رکوع می رود، یعنی من نمی توانم تمام وظیفه قرائتی خودم را انجام دهم. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَقْرَأُ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ»، اشکالی ندارد و همراهی با او بکن اما در رکعت سوم و چهارم حمد بخوان. «لِتَكُونَ قَدْ قَرَأْتَ فِي رَكْعَتَيْنِ».

ما اینجا در حاشیه‌ی وسائل نسبت به فقه این حدیث این گونه یادداشت کردیم که ظاهر روایت این است که جهت سؤال، سؤال از وظیفه‌ی مأموم در رکعت سوم امام است. چون رکعت ثانیه‌ای که در این روایات آمده است کانه منظور رکعت دوم مأموم است که فرض بشود با یک رکعت سوم امام همراه باشد، که در رکعت سوم، آنان اکتفای به قرائت فاتحه می کنند و مخالفین در رکعت اول و دوم علاوه بر فاتحه قرائت قرآن

۹. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۷ ح ۱.

۱۰. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۹ ح ۶.

آن هم به صورت طولانی دارند. گویی مأوم می خواهد بگوید که من در رکعت دوم هستم در جایی که فرض شود مأوم به رکعت سوم نماز جماعت رسیده است که می شود رکعت دوم مأوم، آنان طبق قاعده به حمد اکتفاء می کنند و به رکوع می روند؛ مشکل مأوم این است که در رکعت سوم آنان وظیفه‌ی سوره را نمی تواند انجام دهد. چگونه خواهد بود؟ حضرت علیه السلام می فرماید: در رکعت سوم و چهارم به جای تسیحات حمد بخوان تا نقص در قرائت قرآن و سوره‌ی در رکعت دوم خودت را جبران کنی. با قرائت قرآن و فاتحه در رکعت سوم و چهارم.

ما نوشتیم: الظاهر أنّ جهة السؤال في هذه الرواية هي عن وظيفة المأموم في الثالثة الإمام و هي ثانياً المأموم و أنّه لا يمكنه السورة بعد الفاتحة لأنّ الإمام يركع بمجرد الفراغ عن الفاتحة فأجاب عليه السلام بأنه لا بدّ من القراءة للمأموم في ركعة الثالثة و الرابعة حتى يكون قرأ في ركعتين من صلاته و كأنّه يوحي إلى كفاية قراءة الفاتحة حيث يضيّق الوقت عن قراءة السورة ...

خلاصه مفاد روایت این است که اگر نتوانستی به وظیفه‌ی منفرد عمل کنی اشکالی ندارد و برای جبران، این کیفیت را بیان فرموده‌اند. ظاهر روایت این است که همان وظیفه‌ی یومیه را اگر به این کیفیت بخوانی، وظیفه‌ی فریضه أداء شده است.

در روایت ۴ همین باب که معتبره‌ی اسحاق بن عمار است، اعتبار روایت بعید نیست.

وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَصِينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي أَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَأَجِدُ الْإِمَامَ قَدْ رَكَعَ وَ قَدْ رَكَعَ الْقَوْمُ، فَلَا يُمَكِّنُنِي أَنْ أُؤَدِّنَ وَ أُقِيمَ أَوْ أُكَبَّرَ؟ فَقَالَ عليه السلام لِي: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْخُلْ مَعَهُمْ فِي الرَّكْعَةِ فَاعْتَدِ بِهَا، فَإِنَّهَا مِنْ أَفْضَلِ رَكَعَاتِكَ». قَالَ إِسْحَاقُ: فَفَعَلْتُ ثُمَّ انْصَرَفْتُ فَإِذَا حَسَّةٌ أَوْ سِتَّةٌ مِنْ جِيرَانِي، قَدْ قَامُوا إِلَيَّ مِنَ الْمُخْرُومِيِّينَ وَ الْأُمُويِّينَ، فَقَالُوا جَزَاكَ اللَّهُ عَنْ نَفْسِكَ خَيْرًا، فَقَدْ وَ اللَّهُ رَأَيْنَا خِلَافَ مَا ظَنَّنَا بِكَ وَ مَا قَبِلَ فِيكَ، فَقُلْتُ: وَ أَيُّ شَيْءٍ ذَاكَ؟ قَالُوا: تَبِعْنَاكَ حِينَ قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ، وَ نَحْنُ نَرَى أَنَّكَ لَا تَقْتَدِي بِالصَّلَاةِ مَعَنَا، فَقَدْ وَ جَدْنَاكَ قَدْ اعْتَدَدْتَ بِالصَّلَاةِ مَعَنَا. قَالَ: فَعَلِمْتُ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَمْ يَأْمُرَنِي إِلَّا وَ هُوَ يَخَافُ عَلَيَّ هَذَا وَ شِبْهَهُ»<sup>۱۱</sup>.

قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي أَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَأَجِدُ الْإِمَامَ قَدْ رَكَعَ... یعنی وقتی می رسم به نماز که امام در حال رکوع است، منظور ایشان امام غیر شیعی است که از بقیه روایت به دست می آید وَ قَدْ رَكَعَ الْقَوْمُ... بقیه رکوع رفتند. فَلَا يُمَكِّنُنِي أَنْ أُؤَدِّنَ وَ أُقِيمَ أَوْ أُكَبَّرَ فرصت برای اذان و إقامة و... ندارم. فَقَالَ عليه السلام لِي: «فَإِذَا كَانَ

۱۱. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۸ ح ۴.

ذَلِكَ، فَادْخُلْ مَعَهُمْ فِي الرَّكْعَةِ؛ اگر به چنین موقعیتی برخورد کردی به نماز آنان ملحق شو، و اکتفاء نما به همان ملحق شدن ولو اخلال به اذان و اقامه شد و... «فَاعْتَدِ بِهَا»... به همان رکوع اکتفاء نما و آن را فریضه حساب نما. «فَإِنَّهَا مِنْ أَفْضَلِ رَكَعَاتِكَ»، این نمازی که همراه آنان می خوانی ولو يك نقصی در آن احساس می کنی، از بهترین رکعات تو هست. بعد هم روایت دنباله دارد که حاکی از سر و علت دستور امام علیه السلام را روای بعداً متوجه می شود.

در روایت دیگری در حدیث ۲ باب ۳۳ آمده است.

وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الصَّلَاةِ خَلْفَ مَنْ يَتَوَلَّى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، وَهُوَ يَرَى الْمَسْحَ عَلَى الْخَفَيْنِ، أَوْ خَلْفَ مَنْ يُحْرِمُ الْمَسْحَ وَهُوَ يَمْسَحُ. فَكَتَبَ عليه السلام: «إِنْ جَامَعَكَ وَإِيَّاهُمْ مَوْضِعٌ فَلَمْ تَحِدْ بُدْأً مِنَ الصَّلَاةِ فَأَذِّنْ لِنَفْسِكَ وَأَقِمْ، فَإِنْ سَبَقَكَ إِلَى الْقِرَاءَةِ فَسَبِّحْ».<sup>۱۲</sup>

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عليه السلام (امام جواد علیه السلام)، أَسْأَلُهُ عَنِ الصَّلَاةِ خَلْفَ مَنْ يَتَوَلَّى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَهُوَ يَرَى الْمَسْحَ عَلَى الْخَفَيْنِ، أَوْ خَلْفَ مَنْ يُحْرِمُ الْمَسْحَ وَهُوَ يَمْسَحُ. فَكَتَبَ عليه السلام: «إِنْ جَامَعَكَ وَإِيَّاهُمْ مَوْضِعٌ فَلَمْ تَحِدْ بُدْأً مِنَ الصَّلَاةِ»، که باید با آنان همراهی کنی. «فَأَذِّنْ لِنَفْسِكَ وَأَقِمْ فَإِنْ سَبَقَكَ إِلَى الْقِرَاءَةِ فَسَبِّحْ».<sup>۱۳</sup> اگر قرائت را خواندی و آنان هنوز به رکوع نرفتند، این خلأ را با تسبیح پر کن که باز ظاهر روایت این است که این نماز، نماز واجب به حساب می آید و لغو نیست و به این کیفیت نمازت را تکمیل کن.

این هم يك طائفه از روایاتی که در مورد اخلال در قرائت به خاطر سبقت امام و مانند آن، یا حتی اگر مأموم قبل از امام فارغ شد، با گفتن تسبیح خلأ را پر کند. که ظهور روایات این است که شما وظیفه‌ی نماز خودت را با این کیفیت أداء می کنی؛ که این تعلیم نماز در حال جماعت است کما اینکه اگر گفته شد من آب ندارم چگونه نماز بخوانم، گفتند با تیمم نماز بخواند، ظهورش این است که همان وظیفه‌ای که اگر آب می داشتی انجام می دادی در فرضی که آب نیست انجام دهید و مجزی است. لذا گفته می شود که امر اضطراری ظهور در اجزاء دارد. ظهور این روایات در بیان تعلیم و کیفیت نماز با مخالف از ظهور روایات در بیان کیفیت وظائف اضطراری نسبت به اجزاء کمتر نیست، لذا به این روایات می توان استدلال کرد بر اجزاء و کفایت نماز با مخالف ولو در فرض اخلال به برخی از وظایف منفرد.

۱۲. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۳ ح ۲.

۱۳. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۶۳ ح ۲.

در بعضی از روایات مربوط به قرائت این گونه آمده است که در باب ۳۵ است، در کیفیت همراهی با امام در معتبره‌ی زراره که در کافی آمده است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ فَأَفْرُغُ مِنَ الْقِرَاءَةِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ؟ قَالَ عليه السلام: «أَبْقِ آيَةً وَمَجِّدِ اللَّهَ وَأَثْنِ عَلَيْهِ، فَإِذَا فَرَّغَ فَأَقْرَأِ الْآيَةَ وَارْكَعْ».<sup>۱۴</sup>

قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ فَأَفْرُغُ مِنَ الْقِرَاءَةِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ؟ مَنْ مِنْ قُرَّائِهِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ؟ قَالَ عليه السلام: «أَبْقِ آيَةً»، حضرت فرمود: حمد را که خواندی و سوره را که خواندی يك آیه را نگهدار. «وَمَجِّدِ اللَّهَ وَأَثْنِ عَلَيْهِ»، مجد و ثنای خدا را انجام بده. «فَإِذَا فَرَّغَ فَأَقْرَأِ الْآيَةَ وَارْكَعْ»، وقتی امام جماعت از قرائت فارغ شد و رکوع رفت، آیه را بخوان و به رکوع برو.

خوب ظاهر روایت این است که شما وظیفه‌ی خود را در نماز با مخالف با این کیفیت ادا بنما. به هر حال ظهور این روایاتی که بیان شد که عمدتاً در باب ۳۳ تا ۳۵ نماز جماعت آمده است، ظهورشان در این است که این کیفیت از نماز مُجْزِی است و انجام وظیفه با این کیفیت موجب ادای وظیفه است و نیازی به اعاده ندارد.



والحمد لله رب العالمين  
پایان درس دهم و یازدهم

۱۴. وسائل الشیعة، الحرّ العاملی ۸: ۳۷۰ ح ۱.